

پیش گفتار مترجم

برای مترجم انگیزه ترجمه تسخیر بزرگ عرب پرکردن مکانی خالی در تاریخ ایران است که این بخش از تاریخ فرهنگ ایران بزرگ را در بر دارد. و بیان چگونگی تشکیل/امپراتوری بزرگ عرب با تسخیر گسترده سرزمین های ایران، امپراتوری بیزانتین (روم)، سرزمینهای مستقل شمال آفریقا و ورای آمودریا است. این امپراتوری با سکونگری عربها در سرزمینهای اشغال شده و نابود کردن ساختار دولتی، اجتماعی، فرهنگی و بهره جوئی از منابع اقتصادی این سرزمینها همراه بود. ماهیت واقعی چنین امپراتوری اشغالگر عربی با در آمیختن آن با دین اسلام پنهان شده است. با گذشت زمان و سیاستهای معینی و یا با زور دین اسلام دین غالب سرزمینهای اشغال شده پیشین شد. همچنین فرهنگ عربی اسلامی بخاطر طبیعت تحمیل گرای آن که ناشی از اشغالگری ابتدائی آن میشد در مدت سه قرن اولیه بعد از اشغال و تشکیل امپراتوری عرب اسلامی در بعضی از این سرزمینها مانند عراق، سوریه بزرگ، مصر و شمال آفریقا جانشین زبان و فرهنگ محلی شد اما در ایران بزرگ اگرچه دین غالب شد اما فرهنگ و زبان ایرانی تا به امروز به هستی خود ادامه دادند و در اسپانیا حتی بعد از هشت قرن دین و زبان عرب نتوانست غالب شود.

اولین گسترش اسلام پس از پیروزی آن بر مکه و بعد از مرگ محمد در شبه جزیره عرب بود. این جنگ ها که بنام ردا شناخته میشود در دوران خلافت ابوبکر بود. توسعه طلبی رهبران اسلام که به مدینه غالب شده بودند با تسلط به مکه و شبه جزیره عربستان نمیتوانست پایان یابد. همانطور که نویسنده کتاب تحلیل میکند نیروی نظامی عربهای بیابان گرد که بعد از جنگهای ردا از حمله های غارتگرانه بیک دیگر باز داشته شده بودند یا باید بسوی سوریه و ایران کشیده میشدند و یا اینکه جنگهای داخلی در شبه جزیره عربستان دوباره از سر گرفته میشد که از جهتی پایان گسترش اسلام و ممکن است آغاز انهدام آن میبود.

پیروزی های ارتش عرب اسلامی در ایران و بیزانتین همانطور که نویسنده بطور گسترده تحلیل و بیان میکند یکی از نتایج جنگ های طولانی و ویرانگر ایران و بیزانتین است که از اوایل قرن هفتم آغاز شده بود. زمان یورش ارتشهای عرب به امپراتوری های ایران و بیزانتین یکی از عامل های تعیین کننده بود. همچنین شکاف بین مردم مکانی و امپراتوری های ساسانیان و بیزانتین نقش مهمی در سرنوشت جنگ بازی کرد. نویسنده تسخیر بزرگ عرب هیو کند بخوبی نشان میدهد که درحالیکه در عراق و تیسفون رژیم و ارتش از پارسی های زرتشتی بودند اکثریت جمعیت مسیحی نیابتی بودند که مسیحی های بیزانتین را کافر میدانستند و همینطور در آنجا یهودی ها بودند. و همچنین در سوریه بزرگ بیزانتین که بطور گسترده مسیحی بود، دو گروه دیوفیزیت و منوفیزیت یک دیگر را به کفر متهم میکردند و پیروان شورای کلسدون در 451 که تلاش کرده بودند به این دشمنی پایان دهند نتوانستند اختلاف را حل کنند. اما رژیم بیزانتین اراده شورای کلسدون را دین رسمی امپراتوری میدانست و منوفیزیت ها را آزارگری دینی و تعقیب میکرد. این دوگانگی بین رژیم های ساسانیان و بیزانتین و مردم محلی آنها را از پایگاه مردمی در مقابل تهاجم عربها محروم کرده بود.

تسخیر عراق که دروازه تسخیر ایران را بروی ارتش عرب باز کرد نسبتاً به آسانی انجام شد. یزدگرد سوم که پس از یک دوران بحرانی و هرج و مرج در 632 به پادشاهی رسید فرصت زیادی نداشت تا ویرانی های جنگ با بیزانتین را جبران و دولت را که با جانشین شدن چندین پادشاه در مدتی کوتاه ناتوان شده بود تجدید سازمان کند. آشکار است که در جنگ قادسیه از بخش قابل ملاحظه ای از تمام منابع نظامی و مالی امپراتوری ساسانیان استفاده نشده بود. از آن گذشته خیانت بخش هایی از ارتش یزدگرد و همکاری ایرانیان عراقی با نیروی اشغالگر عرب تسخیر عراق را برای آنها بطور قابل ملاحظه ای آسان کرد. جلال و شکوه و ثروت پارسیها چیزی نبود که عربها را از جنگ با پارسی ها منصرف کند بلکه توانائی های جنگی پارسی ها بود که میتوانست عربها را برگرداند. ثروت پارسی ها بیشتر عربها را برای تصاحب آن تحریک به جنگ میکرد. در حالیکه بیزانتینی ها بعد از شکست از عربها در یارموک و از دست دادن سوریه بزرگ نتوانستند از مرزهای خود کم و بیش در امتداد مرز جنوبی ترکیه موجود از امپراتوری بیزانتین برای قرنهای دفاع کنند. شکست ساسانیان انهدام کامل بود و پارسی ها هرگز نتوانستند خط دفاعی تشکیل دهند و از تسخیر کامل ایران جلوگیری کنند. اولین پس نشینی عقب نشینی های دیگر را در پی داشت که روحیه ایستادگی را کاملاً از بین برد. شکست بیزانتین موضعی بود در صورتیکه شکست ساسانیان گسترده و انهدام سراسری بود. شگفت آور است که ارتش عرب، که نویسنده ما تعداد آنها را 20000 مرد و با موج نیروهای کمکی بعدی 50000 مرد تخمین میزند در میان جمعیتی که به آسانی به نیم میلیون میرسید، توانست عراق را زیر اختیار خود نگهدارد و حتی اقدام به جنگ های مداوم برای تسخیر ایران بزرگ و ورای آمو دریا کند.

آمیخته ای از خلسه دینی و پاداش غارت، چپاول و مالیات ارتشهای متخاصم عرب مسلمان را پیش میبرد که بنظر غیر قابل بازداشتن میرسیدند. در باختر و قتیبه ارتشهای عرب در ورای آمودریا در مرزهای چین متوقف شدند آن بخاطر جنگ داخلی تغییر رژیم از امویان به عباسیان بود. در اواخر قرن هشتم انرژی تسخیرکنندگان بیشتر برای نگهداری امپراتوری عرب بسوی داخل آن سوق داده شده بود. در غرب شکست تعیین کننده ارتش عرب در فرانسه از چارلز مارتل به پیشروی آن پایان داد و حضور عربها اشغالگر را به بخش هایی از جنوب اسپانیا محدود کرد.

نویسنده تسخیر بزرگ عرب بخش های کتاب خود را بطور درخشانی از هم جا کرده است. نویسنده اول کتابهای گواهی دهنده بخش را که او از آنها استفاده کرده است بررسی میکند. نویسنده ویژگی های اجتماعی و سیاسی و دینی مکان مورد تسخیر را پیش از تسخیر بررسی میکند سپس او داستان تسخیر را با اتکاء بگواهی منابع خود دوباره سازی میکند. کتاب از دوازده بخش تشکیل شده

است و هر بخش نه کوتاه و نه بلند بنظر میرسد. در سرآغاز و پیش گفتار نویسنده انگیزه نوشتن کتاب و روشی که او برای آن بکار برده است را میگوید. نویسنده میگوید چون او میداند که سیزده قرن بعد از تسخیر بزرگ عرب برای مردمان زیادی تنها ارداه خداوند برای پیروزی **عربها** کافی نیست او این کتاب را نوشته است تا علت‌های دیگری را پیشنهاد کند. او سنگ خود را با تاریخ ورزان فرهنگستانی که تاکید زیادی به تحلیلی بودن میکنند و تاریخ داستان واره را خار می‌شمارند میکند و میگوید که کتاب او بدون شرم داستان واره تسخیر بزرگ عرب است. با این‌وجود غیر ممکن است خواننده به توانائی ژرف تحلیلی **هو کندی** در کتاب پی نبرد. نویسنده به جای خالی تحقیقات تاریخ ورزانه در دوران انتقالی از عهد عتیق به قرون میانه که تسخیر بزرگ عرب در آن اتفاق افتاده است اشاره میکند. و او آنرا از سوی تاریخ ورزان دانشگاهی آگاهانه میداند که از تحقیقات در این دوران بخاطر جدال برانگیز و مخاطره آمیز بودن برای کارواری خود از آن پرهیز میکنند. در پیش گفتار نویسنده نکته های برجسته کتاب خود را بررسی میکند و خواننده را برای نوشتار اصلی کتاب آماده میکند.

بخش اول کتاب **بنیادهای تسخیر** درباره قبایل بیابانگرد **عربستان** و محیط زندگی آنها پیش از غالب شدن رژیم دینی سیاسی **محمد** و پس از آن سخن میگوید. ویژگی های این قبایل که شامل جنگجویی، سختواری و پیوستگی قبیله ای آنها میشود ضرورتی انکار ناپذیر برای پیروزی تسخیرها بود. اجتماع شهر نشین **مکه** و **مدینه** و تجارت آن با **سوریه بیزانتین** توصیف میشود. تلاش **محمد** برای پذیرفته شدن بعنوان پیامبر خدا در **مکه** و مهاجرت او به **مدینه** و جنگ های او تا وارد شدن پیروزمندانه او به **مکه** گفته میشود. نویسنده فراگرد سیاسی پس از مرگ **محمد** را توصیف میکند. رهبری سیاسی که دو خلیفه اول **ابوبکر** و **عمر** بترتیب در جنگهای ردا برای مطیع کردن تمام **عربهای عربستان** و **کویر سوریه** و تسخیر **سوریه، عراق، ایران و مصر** توسط **عمر** عرضه میشود بنیاد تسخیرها و گردش چرخ سیاست امپراتوری **عرب** را برای بیش از صد سال میریزد.

داستان واره تسخیر **سوریه، عراق، مصر، ایران، وای آمودریا، شمال آفریقا، سند و اسپانیا** هر کدام بطور جدا گانه گفته شده است. نقش تعیین کننده رهبری سیاسی و نظامی فرماندهان **عرب** بخوبی بررسی شده است. این فرماندهان نظامی که زیر فرماندهی دینی سیاسی وفادارانه جنگیدند و پیروزی های بنیادی برای **اسلام عربی** آوردند در بیشتر مواقع با سرنوشت شومی مانند **قتیبه در خراسان، عمر بن عاص در مصر** و غیره روبرو شدند. آنطور که دیده میشود این تسخیرها متمرکز شده بود به نابود کردن توانورزی امپراتوری های **ساسانیان و بیزانتین** و جایگزین کردن آن با توانورزی امپراتوری نوبنیاد **عرب**. معمولاً اگر شهری با زور گرفته میشد قتل عام و غارت در پی داشت و اگر شهر تسلیم میشد و برای مالیات دادن شرایط میساخت شهر از غارت و کشتار نجات مییافت. پس از اولین جنگها در **عراق و سوریه** که همیشه **عربها** نیروهای **پارسی و بیزانتینی** را شکست دادند، هر دو طرف ساختن شرایطی را ترجیح میدادند اما همواره جنگ گزینشی بود که نیروی تسخیر شونده به آن متصل میشد.

همانطور که نویسنده توضیح میدهد تسخیرها یک قرن بدر از کشید، در حالیکه دیگر شدن تسخیر شدگان به اسلام سه قرن طول کشید. در ابتدای تسخیرها برای **عربها** مزیتی نداشت تا تسخیر شدگان **مسلمان** شوند و از شأن یکسانی با **عربها** بهره ببرند و از پرداخت جزیه اجتناب کنند. اما واقعیت این بود که **مسلمان** شدن همواره برای مردمان تسخیر شده امکان پذیر بود. خیلی از مردمان تسخیر شده برای اینکه جزئی از رژیم شوند به **اسلام** دیگر شدند. در مرحله ابتدای تسخیرها **عربهای مسلمان** تنها کسانی بودند که از شأن و مزایای مالی استفاده میکردند حتی جدائی آشکاری بین **مسلمانهای عرب** و غیره **عرب** وجود داشت. اما همانطور که ما در پایان جنگ آوری در **وای آمودریا** و پیروزی **اسلام** میبینیم **ناصرین سیار** تمام **مسلمانها** را از مالیات انفرادی معاف میکند و جزیه را ویژه **نامسلمانها** میکند و همچنین مالیات بر زمین را برای همه معین میکند بدون در نظر گرفتن دین مالک و **عرب** بودن یا نبودن. در 750، صد سال بعد از اولین جنگ های غارتگرانه **وای آمودریا** از **بلخ** تا **سمرقند** مزایای **عرب** بودن جایش را به **مسلمان** بودن میدهد. در هر صورت این گهواره پاسداری از زبان و فرهنگ **ایرانی** تا برآمدن سلسله **سامانیان** که دوباره زبان **پارسی** و فرهنگ **ایرانی** از پشتیبانی دولت برخوردار میشود به زندگی خود ادامه میدهد. در تسخیر بزرگ **عرب** ما مشاهده میکنیم مهاجرت **عربها** به مکان های تسخیر شده چقدر برای تسلط **اسلام** به آن مکانها مهم بوده است. در **عراق و سوریه** که مهاجرت **عربها** انبوه بوده تاثیر دین و فرهنگ **عرب** شدیدتر بوده است. مهاجرت **عربها** به **مرو و سند** میباید نقش موثری در بجاشدن **اسلام** در این مکان ها داشته باشد. همانطور که **هو کندی** میگوید پدیده اشغال **عربها** و دین **اسلام** که در مکانهای زیادی توسط مردم محلی بعنوان دورانی زود گذر در نظر گرفته میشد بعد از بیش از یک قرن یک واقعیت بود که جنبه های زیادی از زندگی مردم اشغال شده را اداره میکرد. برای کار کردن در دولت و ارتش **مسلمان** بودن یک شرط بود مزیتی که کسانی را به **مسلمان** شدن تشویق میکرد.

مترجم دادن توضیحاتی را برای برگرداندن این کتاب ضروری میداند. این قلم برای خود محدودیت هائی را در ترجمه تسخیر بزرگ **عرب** گذاشته است. همواره مترجم خود را به وفاداری به نوشتار نویسنده محدود نگاه داشته است. این شاید در موارد زیادی به روانی نوشتار ترجمه آسیب رسانده باشد که برای مترجم برتری به تلخیص کتاب دارد. اشکال از آنجا آغاز میشود که برای کلمه های زیادی از نوشتارهای سنگین بخصوص تحلیلی انگلیسی کلمه ها معادل **فارسی** مصطلح وجود ندارد. از اینرو نگارنده برای بعضی کلمات که مکرر بکار برده میشود معادل های **فارسی** گذاشته است که در واژه نامه هست و کنجکاو است تا بداند تا چه حد مورد پذیرش استادان زبان **فارسی** قرار میگیرند. از جهت دیگر همواره نگارنده سعی کرده تا آنجا که بیان مفهوم اجازه میدهد ترجمه نوشتار بفارسی روان نوشته شده باشد که دادوری آن بعهد خواننده است؛ همینطور گردانده کوشش کرده است در ترجمه از ادبیات جا افتاده اشغالگر استفاده نکند و کلماتی در برابر کلمه های **انگلیسی** بگذارد که برابر آن است مانند "تسخیر" بجای "فتح"، "دیگر شدن" بجای "اسلام آوردن" و غیره. در این ترجمه بعضی کلمه ها با دیکته متفاوتی نوشته شده است مانند **تبری** بجای **طبری**، و تن برآمده از تن، بجای

وطن. همچنین تمام تاریخ‌ها میلادی است، چون این قلم‌مایل نیست سرگیجه پس و پیش رفتن بین تاریخ خورشیدی ایرانی و ماهی عربی را ایجاد کند که نتیجه آن تنها از دست دادن بُعد زمانی برای خواننده است. تاریخ قمری بعلت گردش آن که نتیجه کوتاهی آن از تاریخ خورشیدی است بُعد زمانی گیج‌کننده‌ای دارد و احساس گذشت زمان معینی را میگیرد. هرچند که بکاربردن تاریخ خورشیدی برای نگارنده دلپذیر است اما در حال حاضر امکان پذیر نیست. مترجم تردیدی ندارد لغزش‌های کوچک و بزرگ میباید در این ترجمه باشد که امیدوار است برای درست کردن آنها در آینده فرصتی دست بدهد. نوشتار و شعرهایی که از شاهنامه فردوسی است از نوشتار شاهنامه برداشته شده است. نام‌های عربی و مکانها تا آنجا که به ضرورت آن پی برده شده است از تاریخ تبری برداشته و با آن برابر شده است.

کامبیز باسطوت

در باره نویسنده هو کندی

هو کندی از سال 1972 در دانشکده تاریخ قرن‌های میانه در دانشگاه سینت آندروز تدریس میکند. او از سال 2000 به عضویت انجمن سلطنتی ادین برو انتخاب شده است. نویسنده و قتیکه بغداد دنیای اسلامی را قانون ورزی میکرد، استاد کندی در سینت آندروز در اسکاتلند زندگی میکند